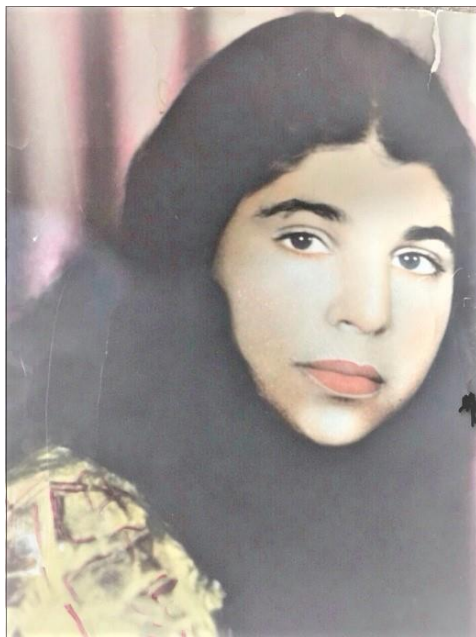


در باره زندگی رفیق شهید فاطمه رُخ بین



در ۱۶ مهر ماه سال ۶۰ و با شلیک پاسداران شب، قلب سرخ چریک فدایی خلی رفیق فاطمه رخ بین برای همیشه از تپیدن باز ماند و چریکهای فدائی خلق ایران یکی دیگر از یاران جوان و جسور خود را در پیکار برای نابودی ستم و استثمار و برقراری یک جهان نوین از دست دادند. با توجه به این واقعیت که رفیق فاطمه در سال ۴۴ در یکی از محله های قدیمی بندر عباس به نام "سید کامل" متولد شده بود، روشن است که شب پرستان حاکم، با ددمنشی ذاتی خود دختری را تیرباران نمودند که تنها ۱۶ بهار از زندگی اش می گذشت.

رفیق فاطمه در خانواده ای زحمتکش چشم به جهان گشود و پدرش آبدارچی اداره مخابرات بندرعباس بود و از این طریق زندگی خانواده بسختی تامین می شد. واقعیتی که این نوجوان آگاه را با تمام قوا برای محو فقر و استثمار به صفوف مبارزه انقلابی راند.

در شرایط خاص مبارزاتی پس از قیام بهمن ماه و همراه با اوج گیری اعتراضات دانش آموزی در بندر عباس که هواداران چریکهای فدائی خالق نقش اصلی را در آن مبارزات ایفا می کردند، رفیق فاطمه به صف هواداران سازمان در این شهر پیوست و به دلیل توانائی هایش و گسترش مسئولیت های انقلابی اش، در نیمه دوم سال ۵۹ زندگی نیمه مخفی در پیش گرفت. با یورش نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی به سازمان های سیاسی و پلیسی شدن شدید فضای شهر بندر عباس در سال ۶۰، رفیق فاطمه کاملاً مخفی و همراه با تعدادی از رفقا به تهران منتقل شد. متأسفانه در شهریور سال ۶۰ پایگاه این رفقا که برای تامین نیازهای مبارزاتی سازمان در تدارک مصادره موجودی یک بانک بودند مورد تهاجم پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت و در جریان درگیری با پاسداران سرمایه چند تن از رفقا به شهادت رسیده و رفقا فاطمه و طیبه (نسرین سلمانی گُلّه) دستگیر شدند. به دنبال دستگیری این رفقا، آن ها به اوین منتقل شده و توسط دژخیمانی چون اسدالله لاجوردی تحت شدید ترین شکنجه ها قرار گرفتند. از آن جا که بخش بزرگی از فعالیت های این رفقا در بندر عباس انجام شده بود،

مسئولین اوین آن ها را برای تکمیل مراحل باز جوئی به بندرعباس منتقل کرده و با توجه به پایداری این رفقا بر آرمان های انقلابی شان خیلی زود در ۱۶ مهر ماه تیرباران شدند. به این ترتیب این رفقا تا آخرین لحظه زندگی بر پیمانی که با کارگران و ستمدیدگان بسته بودند، استوار باقی ماندند. رفیق فاطمه از زمره نسل نوجوانان و جوانان انقلابی کمونیستی بود که زندگی کوتاه ولی پر بارش تماما در راه رهایی ستمدیدگان قرار داشت. ولی چگونگی جان باختن و مرگ این دختر رزمنده نوجوان نیز چهره ننگین رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر افشاء نمود. یاد و خاطره این ستاره سرخ جوان، رفیق فاطمه رخ بین فراموش نشدنی ست.

یاد رفیق فاطمه رخ بین گرامی و راهش پر رهرو باد!

به یاد رفیق فاطمه رخ بین
همچنان می تپد آن قلب جوان!
(برای فاطمه، ستاره ای جوان از کهکشان بی انتهای خلق)

رفقای هستند
که پر از ایمانند
یادشان شورانگیز
وصف شان خاطره انگیز و
طراوت بخش است
نیستند در بر ما
لیک هنوز
زنده و زیبايند

در فراسوی زمان
از همان چوبه داری که از آن آونگ اند
با حضوری قاطع
گام بر می دارند
قلبشان پژواک
رژه ارتش خلق
در نبردی که پُر انباشته از آگاهی ست

از تن کوفته دشت جنوب
تا همان جنگل بيدار شمال
خونشان آب زلالی ست به سرتاسر خاک

یادشان زنده و پر شور و عزیز
راهشان سخت، ولی،
روشن و محتوم و
أفق وارهٔ زیبایی هاست

و چه پر آشوب است
این عزم جوان
و چه رویایی و وهم انگیز است
این زنده نگاه
چه جوان است هنوز خاطره شان
چه عجیب است چنین تکراری
چهره هایی که پر از زیبایی ست...

در فراسوی زمان
همچنان می تپد آن قلب جوان...